

مصاحبه با ژیلبر آشکار: حوادث خونبار خاورمیانه: علل و پیامدها

از هفته نامه «اومانیته دیماناش» نزدیک به حزب کمونیست فرانسه، ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۶

ترجمه بهروز عارفی

از زمان عقب نشینی نیروهای اسرائیل از جنوب لبنان در بهار ۲۰۰۰، درگیری های بسیاری در مرزهای دو کشور رخ داده است. چرا به نظر شما، امروز این درگیری ها به جنگ عریان تبدیل گشته است؟

– ابعاد تهاجم اسرائیل نشان میدهد که آنچه با آن مواجهیم، از یک واکنش «عادی» به یک درگیری فراتر می رود. همان طور که از سال ۲۰۰۰ به این سو مرتباً در جنگ فرسایشی میان حزب الله و ارتش اسرائیل شاهدش هستیم. پیداست که عملیات جاری از مدت ها پیش برنامه ریزی شده بوده، حتی اگر مشکلات غیر مترقبه ای پیش آمده که ژنرال های اسرائیلی را وادار به تجدید نظر در نقشه هایشان کرده باشد. هدف این عملیات در چشم اندازی کلی جای میگیرد. از سال ۲۰۰۴، آمریکائی ها با حمایت ژاک شیراک کارزاری در لبنان براه انداخته اند. این کارزار در بستر کشمکش آن ها با دشمن اصلی منطقه ای شان صورت میگیرد. این دشمن، ائتلافی است که از حماس فلسطینی تا حزب الله لبنان، سوریه، ایران و نیز متحدین شیعه حکومت تهران در عراق را دربر میگیرد. علاوه بر این، اسرائیل استراتژی «راه حل یک جانبه» خود را به اجرا در می آورد که هدف اش تحمیل "دیكتات" خود بر همه همسایگان خویش است.

برای اسرائیل، ظاهراً استراتژی عقب نشینی یک جانبه، نظیر غزه در سال ۲۰۰۵، با تقویت نیروی بازدارنده اش همسوئی دارد. آیا توانی را که مردم لبنان می پردازند نباید ناشی از این سیاست دید؟ مردمی که گروگان درگیری میان حزب الله و اسرائیل اند؟

– برای دولت های غربی، حزب الله گروهی «تروریست» است. در لبنان، اگرچه به یقین اجماعی در باره حزب الله وجود ندارد، باوجود این، جنبش نامبرده بمنزله جریانی مشروع تلقی میشود – جنبشی توده ای که دارای جناحی در پارلمان و دو وزیر در دولت است. حزب الله مشروعیت خود را پیش از همه مدیون این است که مقاومت مسلحانه را به تنهایی رهبری کرده است. مقاومتی که قادر شد عقب نشینی بی قید و شرط ارتش اسرائیل را میسر سازد. برای ارتش اسرائیل، این هتک حرمتی است که باید شسته شود و در واقع برای اینکه از فرسایش فزاینده نیروی بازدارنده اش جلوگیری کند. اما این اسرائیل است که مردم لبنان را به گروگان گرفته است. اسرائیل با نابود ساختن زیرساخت کشور و محاصره نظامی آن میخواهد لبنانی ها را مجبور کند که حزب الله را به کناری بزنند. تازه باید نابودی گسترده مناطق مسکونی و مرگ صدها غیرنظامی را نیز بر آن افزود.

خلع سلاح حزب الله تنها مطالبات اسرائیل یا آمریکا نیست. سعد حریری پسر نخست وزیر پیشین مقتول نیز به یک «راه حل کلی» کشمکش فراخوان میدهد که خلع سلاح حزب الله را نیز در بر میگیرد. دامنه عمل دولت لبنان چه اندازه است؟

مسئله خلع سلاح حزب الله باید در چارچوب یک راه حل سیاسی کلی قرار گیرد که کلید آن در دست اسرائیل است. و این بویژه عبارتست از استرداد مزارع شبعا - سرزمینی لبنانی به وسعت ۴۵ کیلومتر مربع و چسبیده به جولان سوریه که از سال ۱۹۶۷ در اشغال اسرائیل قرار دارد - ، آزادی لبنانی‌های اسیر در اسرائیل و متوقف ساختن تجاوزات مکرر به حاکمیت لبنان و از جمله قلمرو هوایی آن. این‌ها پیش شرط‌هایی است که با تحقق آن، لبنان میتواند به چشم پوشی میلیشیای شیعه از اسلحه یا ادغام آن در ارتش لبنان، همان‌طور که پیش از این صحبتش بود، امیدوار گردد. زیرا، امروز، آمریکا خواهان راه حلی از طریق مذاکره نیست. از نگاه آنان خلع سلاح حزب الله باید به دستور و زیر نظر دولت لبنان باشد، حتی اگر توسل به زور را الزامی سازد. ولی چنین روشی به معنی سوق دادن لبنان به سوی یک جنگ جدید داخلی است. همان‌طور که جنگ داخلی که در سال ۱۹۷۵ آغاز شد، در اثر تحریکات شدید آمریکا صورت گرفت.

جامعه بین‌المللی در واکنش نشان دادن درنگ می‌کند. هنگامی که حرکتی میکند، فلج به نظر می‌آید. فرانسه اولین کشوری بود که خواستار ایجاد یک نیروی میانجی برای تحمیل راه حلی جهت فیصله مناقشه شد. آیا به عقیده شما، چنین راه حلی میتواند به نتیجه برسد؟

استقرار یک نیروی میانجی تحت فرماندهی سازمان ملل متحد با هدف حفاظت از لبنانی‌ها در برابر تاخت و تازهای گوناگون اسرائیلی‌ها و همزمان با آن تضمین امنیت شمال اسرائیل میتواند در چارچوب راه حلی سیاسی قرار بگیرد. ولی آن چه مورد نظر آمریکا و اسرائیل است، استقرار نیروهای ضربتی ناتو - با یا بدون شرکت ماموران سازمان ملل - میباشد. این راه حل را کسی نخواهد پذیرفت. زیرا نیروهای اروپایی درون ناتو به منزله زائده‌ای از ارتش آمریکا محسوب میشوند. برای من پذیرفتن این امر مشکل است که نظامیان اروپایی چگونه میتوانند بدون عقد پیمانی سیاسی از جمله با حزب الله، در جنوب لبنان مستقر شوند. من فکر نمیکنم که خصومت‌ها با سرعت متوقف شود. من حتی برای آینده همه خاورمیانه بسیار بدبین هستم. دولت بوش و حکومت اسرائیل لحظه‌ای از شعله‌ور کردن آتشی که هم اکنون این منطقه جهان را می‌سوزاند، دست برنمی‌دارند. آتش سوزی این منطقه مهار نشده است. یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و سپس سوءقصد های مادرید و لندن بطور دردناکی آن را به نمایش گذارده است. و بیم آن میرود که این‌ها سرآغاز فاجعه‌های وخیم‌تری باشد.

ژیلبر آشکار، لبنانی تبار و استاد رشته علوم سیاسی در دانشگاه پاریس - ۸ است. جدیدترین آثار او «جدال دو توحش» (انتشارات ۱۸/۱۰، پاریس، چاپ دوم ۲۰۰۴) [این کتاب به ترجمه حسن مرتضوی در تهران انتشار یافته است] و *Le Dilemme israélien* («اسرائیل بر سر دوراهی»، انتشارات page deux، لوزان، ۲۰۰۶) میباشد.